



زهرا طبیبی خبرنگار گروه سیاست

ایران از همزان روزهای ابتدایی شُروع مذاکرات اعلام کرد تنها در ازای رفع تحریم‌ها حاضر به محدود کردن برنامه هسته‌ای خود است. علی شمخانی در میانه سفر ترامپ به کشورهای حاشیه خلیج فارس، در مصاحبه با رسانه آمریکایی ان‌بی‌سی این موضع را شفاف‌تر مطرح کرد و گفت: «در صورت لغو تمام تحریم‌ها، تهران آمادگی دارد، غنی‌سازی با «غلظت بالا» را متوقف کند و ذخایر اورانیومی خود را تحویل دهد.» در شرایطی که ترامپ و تیم ترامپ، صراحتاً خواسته‌های حداکثری خود در مورد فعالیت هسته‌ای ایران، یعنی تعطیلی کامل غنی‌سازی را مطرح می‌کنند و تهدید حمله نظامی را روی میز می‌گذارند، صحبت‌های علی شمخانی هم متقابلاً خواسته حداکثری ایران را در تریبون رسانه‌های آمریکایی مطرح کرد. این صحبت‌ها علاوه بر آنکه نشان می‌داد ایران برای حفظ حق غنی‌سازی خود محکم ایستاده است، همزمان نشان می‌داد که برای به نتیجه رسیدن یک توافق برد- برد، گارد بسته‌ای ندارد.
بازنشر این مصاحبه در صفحه اجتماعی دونالد ترامپ و اظهار نظر رسانه‌ای اود دیدار با امیر قطر در این مورد که «به توافق با ایران نزدیکیم»، نشان می‌داد ترامپ پیام این صحبت‌ها را دریافت کرده و فعلاً در موضع رسانه‌ای به اینکه همه چیز خوب است، اکتفا کرده است. وزیر امور خارجه هم در حاشیه حضورش در نمایشگاه کتاب، در واکنش به این مصاحبه گفت: «مطمئن نیستم که رسانه آمریکایی دیدگاه‌های آقای شمخانی را به دقت منتقل کرده باشد، اما در برابر رفع تحریم، آماده‌ایم برنامه هسته‌ای خود را شفاف کنیم.» اگر ان‌بی‌سی در بازنشر صحبت‌های علی شمخانی شیطنت نکرده باشد، آنچه‌او در مصاحبه‌با رسانه آمریکایی مطرح کرده، تا تأکید ضمنی بر اصل مسلمی بود که ترامپ و تیم امنیت ملی او به دنبال تضعیف و تعطیل کردن آن است؛ حق غنی‌سازی ایران.

== موضعی رسانه‌ای که

ترامپ را هم به واکنش واداشت

مصاحبه ششمخانی با رسانه آمریکایی، درست زمانی اتفاق افتاد که ترامپ برای امضای قرارداده‌ا در یافت هدایای میلیون دلاری، راهی حاشیه خلیج فارس شده بود و بخشی از پروژه جنگ روانی اش علیه ایران را در سخنرانی اش در عربستان پیاده کرد. او در بخشی از این مصاحبه به تهدیدهای ترامپ در مورد مذاکرات ایران اشاره کرد و گفت: «ترامپ از شاخه زیتون صحبت می‌کند، اما آنچه ایران می‌بیند فقط سیم خاردار است.» شمخانی به تناقض گویی‌های ترامپ هم اشاره‌ای کرد و گفت: «اگر آمریکا مطابق آنچه می‌گوید رفتار کند، یقیناً می‌توانیم روابط بهتری داشته باشیم.» اما مهم‌ترین بخش صحبت‌های او که هم در آمریکا واکنش برانگیز شد هم در فضای سیاسی داخلی ایران، اشاره او به شروط ایران در مذاکره با آمریکا بود. شمخانی به این موضوع اشاره کرد که در صورت «لغو فوری» همه تحریم‌ها از سوی آمریکا، تهران حاضر است غنی‌سازی با «غلظت بالا» را متوقف کند و ذخایر اورانیومی را تحویل دهد. موقعیت زمانی گفت‌وگو و نکات مطرح شده، پیام‌های

متن شمخانی دربارهٔ حق غنی‌سازی ایران چه می‌گوید؟

ترامپ کدام مصاحبه را بازنشر کرد؟



== حق غنی‌سازی قابل مذاکره نیست

سنگف خواسته‌های آمریکایی‌ها در مذاکره با ایران، متوقف‌شدن غنی‌سازی اورانیوم در خاک ایران است. موضوعی که ویتکاف یک روز پیش از شروع مذاکرات صراحتاً به آن اشاره کرد و هر توافقی را به معنی پذیرش ایران برای حذف و تعطیلی غنی‌سازی اش معرفی کرد. شمخانی اما در این گفت‌وگو موضعی گرفت که پاسخی قاطع و البته قابل پذیرش به این ادعاها بود. تا تأکید او بر اینکه ایران حاضر است غنی‌سازی با «غلظت بالا» را محدود کند، نکته دوم این گفت‌وگو بود. موضعی سبازنده و حاوی پیامی روشن؛ ایران از حق غنی‌سازی در خاک خود کوتاه نخواهد آمد و تنها حاضر است برای رفع نگرانی آمریکایی‌ها، غلظت آن را به سطح غیرنظامی محدود کند. شمخانی در بخش دیگری از این گفت‌وگو صراحتاً اشاره کرد: «غنی‌سازی موضوعی نیست که ایران از آن دست بکشد اما سطح، مقدار یا شکل آن می‌تواند تنها برای «مدتی» تغییر کند تا اعتمادسازی صورت گیرد.» بر خلاف آنچه به نظر می‌رسد، این موضع‌گیری با ادبیات نرم دیپلماتیک اما از موضعی قاطع مطرح شد. شمخانی محل دعوا را از داشتن یا نداشتن غنی‌سازی به محدود کردن غلظت غنی‌سازی هسته‌ای ایران برد و حتی محدود کردن این غنی‌سازی را مشروط و در بازه زمانی مشخص تعیین کرد. موضعیی که اگر چه محکم و قاطع بود، اما طرف آمریکایی نمی‌تواند با اکتایه آن، ایران را به زیاده‌خواهی و زدن زیر میز توافق محکوم کند.

== حالا توپ در زمین آمریکایی‌هاست

شرط «غنی‌سازی ایران در سطح غیر نظامی» و «دادن اجازه نظارت به بازرسان آژانس»، در ازای رفع فوری همه تحریم‌ها، به روشنی نشان می‌داد که فعالیت هسته‌ای برای ایران درجه بالایی از اهمیت را دارد که نتها در ازای رفع «فوری» همه تحریم‌های اقتصادی،

سه کشور عربی حوزهٔ خلیج فارس لابی‌های پرنفوذی در سیاست داخلی و خارجی آمریکا دارند

پادشاهان لابی



علی ملکی خبرنگار گروه سیاست

فردو هوایی‌می حامل دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا با استقبال پادشاهانه در ریاض، دوحه و ابوظبی نه‌فقط منتهی به یک دیدار دیپلماتیک، بلکه نمایشی از نفوذ سه کشور حوزه خلیج فارس در قلب سیاست آمریکا بود. عربستان سعودی، قطر و امارات متحده عربی، با صرف صدها میلیون دلار، شبکه‌ای پیچیده از لابی‌گران و شرکت‌ها و کمپانی‌های مختلف را به خدمت گرفته‌اند تا بلکه بتوانند واشنگتن را به زمین بازی منافع خود تبدیل کنند. سفر ترامپ که با قراردادهای ۱۲۰۰ میلیارد دلاری و هدیه جت ۴۰۰ میلیون دلاری از دوحه، قرارداد ۱۴۰۰ میلیارد دلاری از ابوظبی و سهم ۶۰۰ میلیارد دلاری ریاض همراه بود، بهانه‌ای شد تا پرده از این لابی‌گری‌های پرهزینه برداشته شود. نشر پوپولیتیکو، اندیشکده آمریکایی کوئینسی و رسانه‌های آمریکایی از جمله واشنگتن پست گزارش‌های منتشر کرده‌اند که حاوی جزئیاتی از لابی‌های این سه کشور در ایالات متحده است. این سه کشور، با نفوذ در کاخ سفید، کنگره و رسانه‌ها در جهت‌دهی برخی سیاست‌های آمریکا موثر بوده‌اند. سفر ترامپ، تصویری از این نفوذ را به نمایش گذاشت، اما پشت صحنه، داستان پول و جاه‌طلبی‌های کشورهای حاشیه خلیج فارس است که دونالد ترامپ را به منطقه کشانده.

== عربستان؛ دلارهای سعودی

عربستان سعودی، با صرف هزینه‌های روز افزود صدها میلیون دلاری برای لابی‌گری و روابط عمومی در آمریکا، تلاش کرده وجهه خود را پس از سواپی‌هایی مثل قتل جمال خاشقچی در سال ۲۰۱۸ بهتر کند. این کشور با نفوذ در شرکت‌ها، لابی‌گران و حتی نفوذ در هالیوود و ورزش، سعی کرده سیاست و افکار عمومی آمریکا را به نفع خود هدایت کند. هر چند قتل خاشقچی ضربه‌ای به روابط ریاض با واشنگتن زد اما قدرت مالی و لابی‌گری عربستان، همراه با حمایت‌هایی در دوره اول دونالد ترامپ، این کشور را از تبعات سنگین نجات داد و روابطش را با آمریکا حیا کرد. با این حال، فعالیت‌های عربستان در جنگ یمن و نقض حقوق بشر، همچنان سایه‌ای بر این تلاش‌هاست.

پول بگیر اعتمادسازی کن

در باره عربستان، اتهام قانونی مشخصی برای آن‌ها در دادگاه‌های فدرال ثبت نشده‌است اما «گاردین» در گزارشی در سال ۲۰۲۳ ادعا می‌کند که فعالیت‌های پنهانی در این زمینه وجود دارد. عربستان میلیون‌ها دلار به شرکت‌های روابط عمومی و لابی‌گری پرداخته است. این روزنامه فاش می‌کند که شرکت روابط عمومی و اعتمادسنجی «ادلمن» طی چهار سال ۹٫۶ میلیون دلار، از جمله ۵٫۶ میلیون دلار برای تبلیغ توانمندسازی زنان و چهره «ریما بنت بندر آل سعود»، سفیر عربستان در واشنگتن، دریافت کرد. بعدها گاردین با همکاری بنیاد پژوهشی Añia ادعا کرد که ادلمن از سال ۲۰۰۷ بیش از ۶ میلیون دلار در ازای بهبود وجهه امارات دریافت کرده است. شرکت «کوروپس» که از زمان حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ با عربستان همکاری می‌کند، بیش از ۱۰۰ میلیون دلار از ریاض گرفته است، از جمله ۱۸ میلیون دلار در شش هفته پس از قتل خاشقچی، ۱۴ میلیون دلار در ۲۰۲۰ برای تبلیغ «تعهد عربستان به مبارزه با تروریسم» ۱۱ میلیون دلار در ۲۰۰۳ (جنگ عراق)، و ۱۰ میلیون دلار در ۲۰۱۵ (شروع جنگ یمن). «ریچارد هولت»، لابی‌گر نزدیک به ترامپ نیز در شش ماه نزدیک به ۵۰ هزار دلار در عربستان دریافت کرد. گروه BGR پس از قطع موقت همکاری، برای لیگ جهانی مسلمانان (وابسته به عربستان و دوباره فعال شد. گاردین ادعا می‌کند که حداقل ۱۶ شرکت لابی‌گری دیگر هم برای تقویت روابط تجاری آمریکا-عربستان و بهبود وجهه ریاض کار می‌کنند.

عربستان سعودی، با صرف هزینه‌های روز افزود صدها میلیون دلاری برای لابی‌گری و روابط عمومی در آمریکا، تلاش کرده وجهه خود را پس از سواپی‌هایی مثل قتل جمال خاشقچی در سال ۲۰۱۸ بهتر کند. این کشور با نفوذ در شرکت‌ها، لابی‌گران و حتی نفوذ در هالیوود و ورزش، سعی کرده سیاست و افکار عمومی آمریکا را به نفع خود هدایت کند. هر چند قتل خاشقچی ضربه‌ای به روابط ریاض با واشنگتن زد اما قدرت مالی و لابی‌گری عربستان، همراه با حمایت‌هایی در دوره اول دونالد ترامپ، این کشور را از تبعات سنگین نجات داد و روابطش را با آمریکا حیا کرد. با این حال، فعالیت‌های عربستان در جنگ یمن و نقض حقوق بشر، همچنان سایه‌ای بر این تلاش‌هاست.

جنگ یمن

جنگ یمن از ۲۰۱۵ با رهبری عربستان آغاز شد و با اعلام برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) ا فاجعه‌ای انسانی با حدود ۱۷ هزار نفر کشته (از جمله ۴ هزار کودک) و حدود ۲۸ هزار نفر زخمی به بار آورد. هر چند امارات‌ها در این زمینه متناقض است؛ با انحال اندیشکده کوئینسی بعدها از صرف میلیون‌ها دلار توسط لابی‌گران عربستان، خبر داد که تلاشی در جهت پوشاندن این جنایات و تبدیل آن به عملیات بشردوستانه بود. در سسال ۲۰۲۲، ائتلاف سعودی ۷۰۰ حمله هوایی انجام داد، اما لابی‌ها با انتشار اطلاعات گمراه‌کننده، انصارالله را مقصر جلوه دادند. «مایکل پتروزیلو» و «کوروپس» از پاسخگویی عربستان در مورد یمن و خاشقچی جلوگیری کردند. با این حال، مقاومت انصارالله و شکست عربستان در اشغال سریع یمن، ریاض را در باتلاق گیر انداخت.

== قطر؛ لابی با جت

داستان‌های فدرال «منهتن» ادعا کردند باب مندلز در ازای رشوه‌هایی مثل بلیت فرمول یک و سر ماهی‌گذاری در پروژه املاک، به نفع قطر عمل کرده است. همچنین «بری بنت»، مشاور سابق کمپین ترامپ در ۲۰۱۷ گروه مخفیانه «دیده‌بان بحران یمن» را برای قطر راهاندازی کرد تا وجهه عربستان و امارات را تخریب کند. در سمت دیگر، قطر حدود ۳۶ شرکت لابی‌گری و روابط عمومی را استخدام کرده، از جمله Mercury Public Affairs (محل کار سابق سوزی وایلس، رئیس دفتر کاخ سفید)، BGR، و Group. Venable (محل کار سابق گورنر ایالتی قطر) و Comerstone Government Affairs. قابل‌توجه دیوید پلینینگ، دستیار سابق ترامپ و کرس هاجسون، دستیار سابق مایک پنس). اعضای سابق کنگره مانند تام دیویس (جمهوری خواه، Holland & Knight) و جیم موران (دموکرات، با شرکت لابی خود) نیز برای قطر کار می‌کنند. نشریه پولیتیکو همزمان با سفر ترامپ به دوحه، گزارشی در باره لابی‌های قطری در آمریکا

نوشتۀ است. بر اساس این گزارش، قطر در سال گذشته ۵۰۰ هزار دلار به «گرت ووتری»، استراتژیست جمهوری خواه پرداخت کرد تا نقش میانجی‌گری دوحه در مذاکرات اسرائیل – حماس را تبلیغ کند. همچنین شرکتی متعلق به «برنارد کریک»، متحد عفو شده ترامپ، قراردادی یک میلیون دلاری منعقد کرد و چند هفته بعد ترامپ اعلام کرد قصد سفر به قطر را دارد. «پام باندی»، دادستان کل که قانونی بودن هدیه جت ۴۰۰ میلیون دلاری قطر به ترامپ را تأیید کرد نیز برای قطر لابی و ماهانه ۱۱۵،۰۰۰ دلار دریافت می‌کند.

لابیست‌ها و خنثی‌سازی تحریم

قطر صرف هزینه‌های کلان، از جمله کمپین ۲۰۰ میلیون دلاری در ۲۰۱۸ پس از محاصره توسط عربستان و امارات نفوذش را در واشنگتن گسترش داد. طبق اسناد FARA، این کشور در سال ۲۰۲۵ با Comerstone Government Affairs (یک شرکت لابی‌گری ایالات متحده) و شرکت کریک (حوزه فناوری) قرارداد بست. لابی‌گران قطر، قوانینی مثل تحریم به دلیل میزبانی رهبران حماس را هم خنثی کردند. «نیسک موزین»، لابی‌گر قطری در ۲۰۱۷ تلاش کرد تا نفوذ صند حماس را با مرتبط کردن آن به «البوت بردی»، حامی امارات بی اعتبار کند که موفق شد. همچنین قطر میایارد ها دلار تسلیحات آمریکایی و اروپایی خریده و میان بزرگ‌ترین بایگاه نظامی آمریکا در قطر، موزین مثل تحریم به دلیل میزبانی رهبران حماس احتمالی (مثل قانون صند حماس) جلوگیری و روابط نظامی با آمریکا را حفظ کرد.

توافق‌های دیپلماتیک

قطر با میانجی‌گری در آتش‌بس اسرائیل – حماس، تخلیه افغانستانی‌ها در ۲۰۲۱ و مذاکرات برای کودکان اوکراینی و زندانیان آمریکایی در ویت‌رنال جای‌های خود را نظام بین‌الملل محکم کرد. باب مندلز در ۲۰۲۱ بیانیه‌ای نوشت که در آن قطر را «سرلوحه اخلاق» خواند که به پذیرش پناهنجوی افغان کمک کرد.

جنگ غزه و منطقه

قطر با میزبانی رهبران حماس و کمک سسالانه صدها میلیون دلاری به غزه، نقش دوگانه‌ای دارد. لابی‌گرانش اتهامات حمایت از محور مقاومت را کم‌رنگ و گروه دیده‌بان، بحران یمن را برای تخریب رقبای راهاندازی کرده‌اند.

قراردادهای اقتصادی

در روزهای گذشته قطر با تراپس قراردادهای ۱٫۲ تریلیون دلاری امضا کرد؛ بزرگ‌ترین قرارداد آمریکادر خاورمیانه که نفوذ اقتصادی قطر را نشان می‌دهد. هدیه جت ۴۰۰ میلیون دلاری نیز بخشی از این استراتژی بود.

== امارات؛ ارباب کوچک

«جورج نادر»، تاجر لبنانی – آمریکایی میلیون‌ها دلار به انتخابات آمریکا تزریق کرد تا منافع امارات را پیش ببر و در نهایت منهم شناخته شد. این کشور ۲۸۰ نظامی سابق آمریکایی، از جمله «جیم متیس»، وزیر دفاع اسبق دولست ترامپ را با حقوق‌های کلان (حتی ۲۵۰ هزار دلار برای رده‌های پایین‌تر) استخدام کرده تا به عنوان مشاور کار کنند. امارات همچنین میلیاردها دلار سلاح از آمریکا خریده و سومین مشتری بزرگ تسلیحات این کشور در دهه گذشته بوده است. روابط دیپلماتیک امارات هم با توافق نامه‌های ابراهیم در سال ۲۰۲۰ که روابط رژیم اسرائیل با امارات، بحرین، مراکش و سودان را عادی کرد، تقویت شد. این توافق‌ها که قرار بود صلح آمیز باشند، بهانه‌ای شدند برای گرفتن سلاح‌های پیشرفته‌تر و پیمان نظامی با آمریکا.

حاضر به محدود کردن مشروط غنی‌سازی آن هم تحت شرایط خاصی است. نکته سوم که پیام این شرط است را می‌توان این طور تحلیل کرد که علاوه بر آنکه اثر رسانه‌ای خود در فضای سیاسی آمریکا را می‌گذارد، اثبات می‌کند فعالیت هسته‌ای برای ایران یک موضوع حیاتی و مهم است که در پیشرفت و ادامه آن قاطعیت دارد و تعطیل شدنی نیست و تنها در ازای رفع تحریم‌های اقتصادی که به بهبود معیشت و وضعیت اقتصادی مردم کمک خواهد کرد، حاضر خواهد شد کم‌ی از شدت آن کم کند. این موضع زمانی اهمیت پیدا می‌کند که به این گزاره توجه کنیم که آمریکایی‌ها در روزهای مذاکرات، تلاش رسانه‌ای و تمرکز ویژه‌ای بر کاهش اهمیت و کارا بودن برنامه هسته‌ای ایران گذاشته بودند که افکار عمومی ایران را به سمت کم‌اهمیت و بلا موضوع دیدن برنامه هسته‌ای سوق دهند. موضوعی که با توجه به روشن شدن اهمیت غنی‌سازی هسته‌ای ایران، اثرگذاری قابل توجهی نداشت. نکته مهم چهارم آنکه شمخانی عملاً توپ را به زمین آمریکایی‌ها انداخت. اعلام اینکه ایران حاضر است، غنی‌سازی خود را در سطح غیرنظامی ادامه دهد و این کار را تحت نظارت آژانس انجام دهد که نگرانی ساخت سلاح هسته‌ای توسط ایران رفع شود، در ازای این خواسته مطرح شد که آمریکا باید تمام تحریم‌های اقتصادی را فروا و با هم لغو کند. بعد از این اظهار نظر رسانه‌ای و چراج سبز ایران البته با موضعی هوشمندانه، حالا فشار رسانه‌ای روی آمریکایی‌هاست و هر موضع زیاده‌خواهانه‌ای مثل تعطیل کردن برنامه هسته‌ای ایران، این گزاره را در افکار عمومی و فضای رسانه‌ای اثبات می‌کند که آمریکا مثل همیشه و برخلاف حسن نیت ایران، بر مدار بهمندی حرکت می‌کند.

== مذاکره برای رفع تحریم است نه رفع تهدید

حتی اگر آنچه در مواضع رسانه‌ای توسط علی شمخانی مطرح شد اجرای بازی به مرگ گرفتن و به تب‌راضی شدن آمریکایی‌ها باشد، خطوط قرمز و البته میزان اعتداف‌پذیری ایران را در فضای رسانه‌ای آمریکا به نمایش گذاشت. تیم ترامپ در اظهارات رسانه‌ای دوگانه توافق-تهدید را پیش می‌برد. دوگانه‌ای که ایران را در موضع ضعف قرار می‌داد؛ چرا که این ایران بود که برای رفع تهدید جنگ باید تن به مذاکره و توافق می‌داد. آنچه شمخانی در مصاحبه با ان‌بی‌سی مطرح کرد، موضع ایران در مورد مذاکره با آمریکا را که دستگاه وزارت خارجه بارها به آن تأکید داشته است، شفاف کرد؛ ایران برای «رفع تحریم‌ها» با آمریکا مذاکره می‌کند و در ازای رفع و کاهش تحریم‌ها حاضر به محدود کردن برنامه هسته‌ای خود خواهد بود. این موضع علاوه بر آنکه در فضای رسانه‌ای و افکار عمومی جامی اندازد که دوگانه مذاکره، دوگانه تحیم-توافق است، ایران را در موضع ضعف قرار نمی‌دهد و نشان می‌دهد ایران بدون گرفتن امتیاز، امتیازی نخواهد داد و به‌برای رفع تهدید که برای رفع تحریم مذاکره می‌کند، واقعیتی که مقامات دستگاه سیاست خارجی این نیز بر آن تأکید داشتند آن است که عملی کردن تهدید نظامی علیه ایران در موقعیت فعلی امکان‌پذیر نیست و طرف آمریکایی مجبور است مسیر دیپلماتی را با ایران پی بگیرد، اما برای مذاکره و رسانی از مذاکرات تلاش می‌کند تا تهدید نظامی علیه ایران را بر جسته کند. در این موقعیت موضع رسانه‌ای شمخانی در مصاحبه با ان‌بی‌سی اثبات می‌کند که ایران با هدف و برنامه‌ریزی مشخص و برای معامله‌ای برد- برد پای میز مذاکره آمده است.

لشکر لابی‌گران

سسال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ برای امارات پر از لابی بود. اندیشکده کوینزی گزارش می‌دهد ۲۵ شرکت در این دوسال برای امارات کار کردند و تماس‌های زیادی با سیاستمداران، رسانه‌ها و اندیشکده‌ها گرفتند. امارات ۶۴ میلیون دلار به این شرکت‌ها پرداخت کرد. رقمی که لابی آن‌ها را از لابی عربستان هم قوی‌تر کرد. شرکت‌های اصلی شامل Akin Gump با ۱۳٫۵ میلیون دلار، Brunswick Group با ۱۲٫۷ میلیون دلار، Camstoll Group با ۱۰٫۵ میلیون دلار، Teneo Strategy با ۷٫۲ میلیون دلار و Harbour Group با ۶٫۶ میلیون دلار بودند.

این شرکت‌ها ۱٫۶ میلیون دلار به کمپین‌های سیاسی ادا کردند، از جمله حدود ۵۲۰ هزار دلار به ۱۰۴ نماینده کنگره که با آن‌ها در ارتباط بودند. سناتور «تاد بلانک» بعد از ملاقات با Akin Gump در سال ۲۰۲۱، ۵۰۰۰ دلار گرفت و «تری مک آلیف» ۲۰۰،۰۰۰ دلار از (Terakeet) دریافت کرد. این کمک‌ها قانونی بوده‌اند، چون از بودجه خود شرکت‌ها بود، نه مستقیماً از امارات. لایسنت‌ها بیشتر با مجلس نمایندگان، سنا و رسانه‌ها در ارتباط بودند. رسانه‌هایی مثل نیو یورک تایمز و اندیشکده‌هایی مثل مؤسسه خاورمیانه که از امارات پول می‌گیرند هم در این شبکه هستند.

اسپار تای کوچک

امارات متحده عربی که در آمریکا به «اسپار تای کوچک» معروف است، روابط نظامی قوی با این کشور دارد. «یوسف المطیعه»، سفیر امارات، همیشه تأکید می‌کند امارات از سالال ۱۹۹۰ در کنار آمریکا در جنگ‌هایی مثل «کروز» و علیه «داعش» بوده. در سال ۲۰۲۰، لایسنت‌ها علیه پیشنهادهایی مثل اصلاحیه «اتام مالدینوفسکی» که فروش سلاح به امارات را محدود می‌کرد، مبارزه کردند. همان سال، سبسته ۲۳ میلیارد دلاری شامل F–۳۵ پیشنهاد شد. سناتورهای مثل «باب مندلز» و «کریس مورفی» سعی کردند جلوی این فروش را بگیرند، اما لابی امارات با تماس‌های مستقیم المطیعه، سفیر امارات در واشنگتن با سناتورهای مثل «کروز» و «کریس ون هولن» و حمایت «مارک کلی» و «ریستون سینما» موفق شد.

رای‌گیری در دسامبر ۲۰۲۰ با ۵۰–۴۶ برای پهلپادها و ۴۷–۳۵ برای نفع امارات تمام شد. البته جو بایدن، رئیس‌جمهور وقت آمریکا در سال ۲۰۲۱ این سیاست‌های فروش تسلیحات به امارات را به چالش کشید؛ اما همچنان معامله متوقف نشد و ۳٫۵ میلیارد دلار سلاح دیگر، مثل سامانه تاد (THAAD) را به امارات فروخت.

توافق نامه ابراهیم

توافق نامه‌های ابراهیم در سال ۲۰۲۰ که روابط امارات با رژیم صهیونیستی و چند کشور دیگر را عادی کرد، موضوع داغ لابی‌گری بود و بیش از ۱۰۰۰ بار در تماس‌ها مطرح شد. لایسنت‌ها با افرادی مثل نانسی پلوسی و باب مندلز تماس گرفتند تا حمایتشان را جلب کنند. امارات از این توافق برای توجیه خرید سلاح‌های بیشتر استفاده کرد. از سوی دیگر، در سال ۲۰۲۱، وقتی دزگیری بین رژیم صهیونیستی و حماس بالا گرفت، امارات به جای میانجی‌گری، روابطش با اسرائیل را قوی‌تر کرد و حتی آن‌ها را به نفع ازاده تجاری دعوت کرد.

جنگ یمن

امارات از سال ۲۰۱۵ در جنگ یمن نقش بزرگی داشت و ۱۰ هزار سرباز فرستاد، حتی بعد از خروج نیز ورایش در ۲۰۲۰. به گروه‌های مسلح کمک مالی و آموزشی داد. لایسنت‌ها با رها در باره یمن صحبت و سعی کردند امارات را خیر خواه ماجرا نشان دهند.